

عامل شهادت مأمور پلیس در یزد بازداشت شد



مرد ضرور که از تیرماه امسال به اتهام شهادت رساندن مأمور پلیس در شهرستان میناب تحت تعقیب قرار داشت در یزد بازداشت شد. سرهنگ عباسعلی بهدانی فرد، جانشین فرمانده انتظامی استان یزد گفت: ستوان یکم حاجت‌الله دشتبانی ۱۹ تیرماه امسال در ایست و بازرسی شهرستان میناب با سوادگران مرگ در گیر و به شهادت رسید. پس از وقوع حادثه تلاش پلیس برای بازداشت عامل شهادت وی به جریان افتاد تا اینکه مخفیگاه متهم در شهرستان یزد شناسایی و در جریان عملیات پیچیده پلیسی بازداشت شد.

شوکر صیغنه‌ای

به میز محاکمه رسید

راننده سالخورده که متهم است پس از قتل همسر صیغنه‌ای اش جسد وی را منگنه و با کمک دوستش حوالی شهر رها کرده بود سه زودی محاکمه می‌شود.



به گزارش جوان، رسیدگی به پرونده از اوایل مردادسال ۹۷، با ناپدید شدن زن ۴۵ساله به نام سارا در یکی از خیابان‌های جنوب تهران آغاز شد. پس از آن زن در توضیح به مأموران پلیس گفت: «چند سال قبل پدرم فوت کرد و مادرم بعد از فوت او به تنهایی در خانه‌اش زندگی می‌کرد. او و

گذشته تماس گرفت و از من خواست به دیدنش بروم اما وقتی مقابل خانه‌اش رسیدم هرچه رنگ زدم کسی در باز نکرد. مجبور شدم با کلید در خانه را باز کنم اما وقتی وارد خانه شدم هرچه مادرم در صدا کردم از او خبری نبود. هر جا به فکر می‌رسید سراغش رفتم اما بی‌فایده بود کسی از او خبر نداشت. به همین دلیل تصمیم گرفتم پلیس را خبر کنم.»

بعد از این توضیحات تلاش برای یافتن زن میانسال آغاز شد تا اینکه در نخستین گام از تحقیقات مأموران با بررسی فهرست مکالمات تلفن همراه زن میانسال در یافتند وی با مرد سالخورده‌ای به نام کریم در ارتباط بوده است. با بدست آمدن این سرخ کریم ۷۲ساله بازداشت شد و مورد تحقیق قرار گرفت. او به مأموران گفت: «راندنده کامیون هستم و هشت سال قبل با سارا آشنا شدم. او در این سالها همسر صیغنه‌ای من بود و با هم رابطه خوبی داشتیم. آخرین بار به سفر کاری سه‌ماهه رفتم و بعد از برگشت متوجه شدم از او خبری نیست. باور کنید از سرنوشت سارا اطلاعی ندارم.»

مرد سالخورده سعی داشت پلیس را گمراه کند تا اینکه در روند بازجویی‌ها سرانجام لب به اعتراف گشود و گفت: «فرزندان سارا از ازدواج موفق ما خبر نداشتند به همین خاطر قصد داشتیم این بار بعد از برگشت از سفر بازندان‌ش صحبت کنیم و او را عقد کنیم اما بعد از برگشت هر چه با سارا تماس گرفتم او پاسخ تماس‌هایم را نمی‌داد. تصمیم گرفتم به دیدنش بروم اما وقتی صحبت از ازدواج شد با شنیدن حرف‌هایش شوکه شدم. او می‌گفت این زندگی پرده‌ای او را خسته کرده بود به همین خاطر با مرد دیگری ازدواج کرده است. سارا در حال تمیز کردن مرغ بود و در دستانتش چاقو بود که از عصبانیت چاقو را از دستش گرفتم و چند ضربه به او زدم. بعد گلویش را بریدم و از خانه فرار کردم.» آن مرد ادامه داد: «قصد داشتم جسد را بیرون ببرم اما قادر به حمل آن نبودم به همین خاطر آنرا منگنه کردم و در چند کیسه زباله گذاشتم. سپس آنها را در بیابان‌های فشم رها کردم و گریختم.» با اقرارهای مرد سالخورده، مأموران به خاطر جنه ضعیف او به حضور یک همدمت برای حمل جسد مشکوک شدند و بار دیگر متهم را تحت بازجویی قرار دادند. آنجا بود که وی به تکه تکه کردن جسد همدمت‌ش دوستش به نام حسام اقرار کرد و گفت: «بعد از کشتن سارا قادر به منگنه کردم جسد نبودم به همین دلیل به خانه یکی از دوستان قدیمی‌ام رفتم و او قبول کرد در ازای پرداخت پول مرا کمک کند. بعد از آن بود که ما به به خانه مقول رفتم و جسد مرا کمک کند. بعد از آن بود که ما به با اعتراضات مرد سالخورده، دوست او به نام حسام بازداشت شد و بعد از اقرار به جرمش هر دو متهم روانه زندان شدند و در حالیکه تلاش مأموران برای یافتن بقایای جسد منگنه شده زن میانسال تاگام مانده بود، پرونده کامل و به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. به این ترتیب دو متهم با درخواست قصاص از سوی اولیای دم به زودی پای میز محاکمه قرار خواهند گرفت.

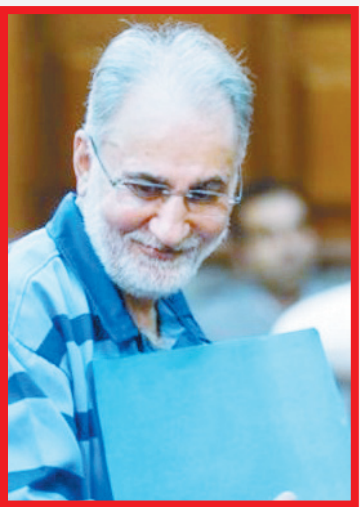
مهلت دو هفته‌ای قاضی رسیدگی کننده پرونده نجفی به تیم‌های کارشناسی اسلحه‌شناسی و پزشکی قانونی پایان یافت و گزارش‌های کارشناسی آنها ضمیمه پرونده شد تا پس از اعلام نظر قضات دادگاه، عمد یا غیر عمد بودن عمل مجرمانه متهم محرز و پرونده بار دیگر در دیوان عالی کشور بررسی شود.

به گزارش جوان، محمدعلی نجفی، شهردار اسبق تهران که از هفتم خردادماه امسال به اتهام قتل همسر دومش میترا استاد در زندان اوین به سر می‌برد، دو هفته قبل به محل حادثه منتقل شد تا سه کارشناس پزشکی قانونی و سه کارشناس اسلحه‌شناسی ایهام‌های وارد شده قضات دیوان عالی کشور به رأی صادر شده درباره نحوه شلیک

گزارش تیم‌های کارشناسی ضمیمه پرونده نجفی شد

گلوله را بررسی و به هیئت قضایی تقدیم کنند. دلیل دفورمه شدن گلوله وارد شده به بدن میترا استاد معمایی بود که قضات دیوان عالی کشور پس از بررسی رأی دادگاه صادر کننده به آن مواجه شده و استدلال‌های ارائه شده هم آنها را قانع نکرد تا اینکه رأی درباره عمد بودن عمل مجرمانه نجفی را نقض کردند. دو هفته قبل نجفی در خانه‌اش در برج آر میتا مقابل سه کارشناس اسلحه و سه کارشناس پزشکی قانونی ماجرای آن شلیک مرگبار را شرح داد. سه کارشناس اسلحه‌شناسی این موضوع را بررسی کردند که آیا در محیط حمام خانه امکان برخورد گلوله به کاشی و کمانه کردن آن به سمت بدن میترا امکان بروز داشته است یا خیر؟ سه کارشناس پزشکی

قانونی هم با بررسی صحنه بازسازی گزارش خود مبنی بر اینکه آیا گلوله پس از اینکه به بدن میترا برخورد کرده و پس از ورود دفورمه شده را بررسی گزارش خود را ارائه کردند. در بخشی از این گزارش آمده است که گلوله به عمد شلیک نشده، اما به صورت مستقیم بوده و کمانه نکرده است. با ضمیمه شدن گزارش کارشناسی حالا قاضی محمد کشکولی و مستشاران دادگاه درباره عمد بودن یا غیر عمد بودن عمل مجرمانه اعلام نظر خواهند کرد. با اعلام نظر قضات دادگاه پرونده بار دیگر در دیوان عالی کشور بررسی خواهد شد. در صورت تأیید رأی دادگاه، نجفی به دلیل جلب رضایت اولیای دم از جنبه عمومی جرم بار دیگر به میز محاکمه باز خواهد گشت.



قاتل: دعوی ما بر سر یک دختر بود

قاتل فراری ادامه داشت مأموران دریافتند فرزند خودش را به اداره پلیس تسلیم کرده است.

صبح دیروز متهم برای تحقیق به دادرسی قتل رسیده بود. بررسی‌ها نشان داد مقتول ۲۷مهرماه قاضی دشتیان باز پرس ویژه قتل دادرسی امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلاتری ۱۲۱ سلیمانیه از قتل پسر جوانی با خبر و همراه تیمی

پسری که متهم است در جریان رقابت بر سر دوستی با یک دختر مرگبخت قتل شده است. پس از بازداشت ماجرا را شرح داد. به گزارش جوان، ساعت ۱۶ روز شنبه ۲۷مهرماه قاضی دشتیان باز پرس ویژه قتل دادرسی امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلاتری ۱۲۱ سلیمانیه از قتل پسر جوانی با خبر و همراه تیمی



گفت و گو با متهم

خود را معرفی کن؟

فرزاد ۶۴ساله هستم.

به چه کاری مشغول بودی؟

دبلم دارم و چند سالی است پیک موتوری کار می‌کنم.

با مقتول چه اختلافی داشتی؟

مقتول از دوستان دوران کودکی‌ام بود. ما با هم خیلی دوست بودیم و رفت و آمد داشتیم. هرگز فکر نمی‌کردم روز این اتفاق تلخ بیفتد.

پس چرا با هم درگیر شدید؟

واقعیتمش مدتی بود او برای دختر مورد علاقه‌ام مزاحمت ایجاد می‌کرد و روز حادثه می‌خواستم با او تمام حجت کنم تا اختلاف ما بر طرف شود که این اتفاق افتاد.

دوستانتش گفته‌اند رقیب عشقی هم بودی؟

نه رقیب عشقی نبودیم اما او هم مدتی بود به دختر مورد علاقه من به صورت یک طرفه ابراز علاقه می‌کرد.

بیشتر توضیح بده؟

من شش سال قبل با شقایق در پارکی آشنا شدم. شقایق از بستگان دور ما بود و تصمیم گرفتم پس از اینکه موقع مالی‌ام خوب شد با هم ازدواج کنیم به همین خاطر خیلی نسبت به شقایق تعصب داشتم. حمید هم در جریان دوستی ما بود و گاهی هم همراه من و شقایق به پارک محله می‌آمد یا برای خرید به خیابان می‌رفتیم که کم کم به شقایق علاقه‌مند شده‌بود تا اینکه یکماه قبل متوجه شدم از طریق پیامک و تلگرام برای شقایق مزاحمت ایجاد می‌کند. او از شقایق خواسته بود که مرا ترک کند و با او دوست نشود. چند باری شقایق موضوع را به من گفت و از من خواست با حمید حرف بزنم و موضوع را حل کنم. روز حادثه هم در خیابان مقاد با حمید قرار گذاشتم حرف بزنیم که با درگیری خونین پایان یافت.

درباره درگیری توضیح بده؟

روز حادثه به من گفت که تنها نمی‌آید و مرا تهدید کرد که من

هم از ترس قاقویی همراه خودم آوردم. من با شقایق سر قرار رفتم تا به او ثابت کنم که شقایق مرا دوست دارد و دست از سر شقایق بردارد که دیدم او همراه تعداد زیادی از دوستانش که بیش از ۱۰ نفر بودند به محل قرار آمده است. دوستانش دخالت نکردند و بعضی از آنها هم سعی داشتند ما با هم درگیر نشویم که حمید اسپری اشک آور و به صورت من پاشید، در یک لحظه جای را ندیدم و برای اینکه او را فراری بدهم چاقو را به طرفش پرتاب کردم که دیدم خونین روی زمین افتاد.

بعد چه شد؟

پس از حادثه از ترس با شقایق فرار کردم و به طرف منطقه فرحزاد رفتم. چند ساعتی با هم بودیم تا اینکه یکی از دوستانم با من تماس گرفت و گفت حمید فوت کرده است. ناراحت شدم و عذاب وجدان گرفتم که شقایق را تا نزدیکی خانه‌شان رساندم و بعد به اداره او رفتم و خودم را معرفی کردم.

الان چه حسی داری؟

من قصد قتل نداشتم چون حمید از دوستان قدیمی من بود و این هم خیلی پشیمان هستم و عذاب وجدان دارم اما می‌دانم که قایدهای ندارد.

حرف آخر؟

کاش عاشق نمی‌شدم!

کلاهبرداری میلیاردی با کاغذ باطله!



آخر آن پول حقیقی است و بقیه آن کاغذ باطله است. سپس به سراغ بسته‌های بعدی رفتم که همه آن همین وضعیت را داشت. فهمیدم که مرد گفتیم که ساکن تهران هستیم و دلارها را از دست دادیم.

با اطلاعاتی که شاکي در اختیار پلیس گذاشت کار آگاهان دست به تحقیق زدند و پس از بررسی تماس‌های مرد فریبکار، او همسرش را که ساکن شهرستان ارومیه بودند، شناسایی کردند.

در شاخه دیگری از تحقیقات مشخص شد که چند شکایت مشابه در تهران و چند شهر دیگر علیه زن و مرد فریبکار مطرح شده است. بعد از به دست آمدن این اطلاعات تیمی از کار آگاهان پلیس آگاهی با گرفتن نیابت قضایی راهی شهرستان ارومیه شدند، متهم اصلی پرونده را بازداشت کردند.

سردار علیرضا لطفی، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: متهم در پرونده اصلی یکی از نیم میلیارد تومان از شاکي کلاهبرداری کرده است و تحقیقات برای کشف جرم‌تم بیشتر است و او بازداشت همدمستانش در پلیس آگاهی تهران جریان دارد.

در و قبل آن پول رایج کشور تحویل دهد. من در این ساره فکر کردم و بعد از توافق بر سر قیمت پیشنهاد را قبول کردم و به آن مرد گفتیم که ساکن تهران هستیم و دلارها را از آنجا تحویلش می‌دهم و پول را می‌گیرم که بپذیرت.

شاکي ادامه داد: من امروز با آن مرد در بزرگراه اشرقی اصفهانی قرار ملاقات گذاشتم. ۷هزار دلاری را که داشتم، برداشتم و راهی محل قرار شدم. وقتی سرسر قرار حاضر شدم آن مرد همراه سه مرد دیگر به آنجا آمد. او دو چمدان یکی شیشه‌ای و دیگری از جنس چوب به دست داشت و گفت که پول‌ها را داخل چمدان‌ها گذاشته است. من دلارها را تحویل آن مرد دادم و او هم در چمدان‌ها را باز کرد و پول‌ها را که اسکناس‌های ۱۰هزار تومانی بود را به من نشان داد و دوباره در چمدان‌ها را بست و آنها را به دست من داد که از هم جدا شدیم.

شاکي ادامه داد: لحظاتی از رفتن آنها نگذشته بود که در چمدان‌ها را باز کردم تا پول‌ها را بررسی کنم. بسته‌ای از اسکناس‌ها را برداشتم و ورق زدم. دیدم که فقط اسکناس‌های اول و

مرد فریبکار که متهم است یا وعده خرید دلار گران‌تر از قیمت بازار فروشتند. گان را فریب داده و به چسای پول نقد کاغذ باطله به آنها قالب کرده بازداشت شد.

به گزارش جوان، ۲۸ شهریورماه امسال مردی وارد شعبه ۱۱ دادرسی ناحیه ۵ تهران شد و علیه مردی فریبکار و همدمستانش اعلام شکایت کرد. او گفت مردی که خودش را تبعه عراق معرفی کرده بود با وعده خرید دلارهایش او را فریب داده و ۱۵ میلیارد تومان از او کلاهبرداری کرده است. بعد از مطرح شدن شکایت پرونده به دستور باز پرس در اختیار تیمی از کار آگاهان اداره مبارزه با جعل پلیس آگاهی قرار گرفت. شاکي در شرح شکایت خود گفت: من تاجر هستم و وضع مالی خوبی دارم. صاحب یک فروشگاه لباس در جریره کیش هستم و در آدمم خوب است. چند روز قبل مرد و زنی وارد فروشگاه شدند و خودشان را تبعه کشور عراق معرفی کردند. آن مرد که شلوار کردی هم به تن داشت و گفت که در کار خرید و فروش دلار فعالیت می‌کند. او از من خواست اگر دلار دارم حاضر است آن را به قیمت بالاتر از نرخ بازار بخرد

قاتل تازه عروس کابل در تهران دستگیر شد

قاتل در توضیح حادثه گفت: ما اهل افغانستان هستیم و در شهر کابل زندگی می‌کنیم. شش ماه قبل با دختر خاله ۱۸ساله‌ام ازدواج کردم. همان ابتدا متوجه شدم همسرم زن ایده‌آل من نیست، چون او بیشتر اوقات در خانه سرش به گوشی تلفن همراهش گرم بود و کمترین توجهی به من نداشت. او هر روز به خانه دوستانتش می‌رفت یا به خانه پدرش و هر وقت که اعتراض می‌کردم از خانه قهر می‌کرد و به خانه پدرش می‌رفت. از آنجایی که دختر خاله بود صبر کردم و انتظار داشتم اخلاق و رفتارش را تغییر دهد، اما فایده‌ای نداشت. چند روز قبل از حادثه به خاطر اینکه با گوشی‌اش بازی می‌کرد با هم مشاجره کردم که از خانه قهر کرد و به خانه پدرش رفتم. چند روزی صبر کردم و بعد با او تماس گرفتم و خواستم به خانه برگردم، اما قبول نکرد که عصبانی شدم و با اسلحه دو لول شکاری‌ام به خانه پدر زنم رفتم. آنجا هم دوباره مشاجره لفظی کردیم و وقتی درگیری مایالاک گرفت با اسلحه شکاری به سوی شلیک کردم و با دو تیر به قتلش رساندم. پس از حادثه

تازه داماد افغان که پس از قتل همسرش در کابل افغانستان همراه پدرش به ایران گریخته بود، در تهران دستگیر شدند. به گزارش جوان، شهریورماه امسال بود که کار آگاهان اداره مردم پلیس آگاهی تهران از طریق پلیس اینترنتی از ورود مرد مجاز دو متهم فراری از افغانستان به ایران با خبر شدند. بررسی‌های مأموران نشان داد یکی از متهمان پسر ۳۰ساله‌ای به نام نسیم است که هشتیم تیرماه امسال همراه پدر ۱۰ساله‌اش در شهر کابل همسرش را با شلیک دو گلوله به قتل رسانده است و پس از آن به ایران گریخته است.

بدین ترتیب کار آگاهان پس از دریافت پرونده متهمان فراری تحقیقات خود را برای شناسایی و دستگیری آنها آغاز کردند تا اینکه دو روز قبل از طریق یکی از بستگان مقتول موفق به شناسایی مخفیگاه متهمان در خانه‌ای شهرک رضویه شدند و در نهایت صبح دیروز دو متهم را دستگیر کردند. دو متهم پس از انتقال به دادرسی امور جنایی تهران به جرم خوداقر کردند.



پسر نوجوان

به ۲ بیمار زندگی بخشید

کلیه‌های پسر نوجوان که به مرگ مغزی مبتلا شده بود به دو بیمار نیازمند اهدا شد. به گزارش جوان، این پسر ۱۷ساله که محمد بصیری نام داشت ۲۳مهرماه امسال به بیمارستان نثارالله مهرشهر کرج منتقل شد. محمد که به بیماری اوتیسم مبتلا بود و در مرکز نگهداری بیماران اوتیسم زندگی می‌کرد با علامت خفگی به این مرکز درمانی منتقل شده بود. هر چند پزشکان برای نجات وی تلاش کردند اما تلاش آنها ثمری نداشت و محمد به مرگ مغزی مبتلا شد. محمد عیسی، پدر او در شرح ماجرا گفت: ظهر روز ۲۳مهرماه بود که از مرکز نگهداری بیماران اوتیسم تماس گرفتند و گفتند که محمد در آنجا دچار حادثه شده و او را به بیمارستان نثارالله منتقل کرده‌اند. وقتی خودم را بر بالین محمد رساندم او بی‌هوش بود و پزشکان مشغول احیای او بودند. وی ادامه داد: پسر هم به صورت مادرزاد به بیماری اوتیسم مبتلا بود و تا هفت‌سالگی از او مراقبت کردیم.

سپس او را به مرکز مراقبت از بیماران اوتیسم بردیم و در این مدت آنجا از نگهداری می‌کردند تا اینکه دچار حادثه شد. وی در شرح حادثه هم گفت: به من گفتند که محمد در حال صرف غذایده که لقمه در گلویش گیر می‌کند دچار خفگی می‌شود که او را به بیمارستان منتقل می‌کنند که تلاش برای احیای وی ثمری ندارد و او به کامی‌رود پس از آن محمد را به بیمارستان شریعتی منتقل کردیم اما تلاش برای نجات او فایده نداشت. او در شرح اهدای اعضای بدن پسرش هم توضیح داد: از واحد فراهم‌آوری اعضای پیوندی ما من تماس گرفتند و خواستند که موافقت کنم که اعضای بدن محمد اهدا شود و چند بیمار دیگر هم از مرکز نجات پیدا کنند که پس از مشورت با همسرم با درخواست موافقت کردیم. وی ادامه داد: با کاری که کردیم

اطمینان پیدا کردیم که پسرمان فرشته‌ای بود که برای نجات زندگی دیگران آمده بود. دکتر سناز، دهانی، رئیس واحد فراهم‌آوری اعضای پیوندی بیمارستان سینا هم توضیح داد: پس از اعلام رضایت خانواده محمد، وی از بیمارستان شریعتی کرج به بیمارستان سینای تهران منتقل شد و با تلاش تیم پزشکی کلیه‌های او دو بیمار نیازمند اهدا شد.

کارمند روزنامه جوان

در دام زورگیران گرفتار شد

زورگیران خشن در پوشش مسافر کارمند روزنامه جوان را مجروح و خوددرویی او را اسرقت کردند. به گزارش جوان، دو زورگیر خشن که مسلح به سلاح سرد بودند، ساعت ۱۹:۵۰ شامگاه چهارشنبه ۲۴مهرماه خودروی سمنند کارمند روزنامه جوان را به صورت درستی کرایه کردند و در نزدیکی احمد آباد مستوفی پس از ضرب و جرح با چاقو و قه خوددرو و اموال او را اسرقت کردند.

کشاورز که کارکنان چاپخانه روزنامه جوان است در توضیح حادثه گفت: شب حادثه پس از پایان کار در جاده قدیم کرج با خودروی سمنند راهی منزل در کرج شدم. ساعت ۱۹:۵۰ بود که در نزدیکی خلیج (شماره ۲) دو مرد به عنوان مسافر دست تکان دادند و من هم برای سوار کردن آنها توقف کردم. دو مرد جوان خودروی مرا به صورت درستی به مقصد احمدآباد مستوفی کرایه کردند.

یکی از آنها در صندلی جلو و دیگری در صندلی عقب نشست و من هم به طرف احمدآباد مستوفی به راه افتادم. ساعت ۲۰:۱۵ بود که به نزدیکی احمدآباد مستوفی رسیدیم که ناگهان مردی در صندلی عقب نشست. متوجه شدم چاقویی زیر گلویم فشار داد و تهدید کرد، توقف کنم.

همزمان مردی که در صندلی جلونشسته بود قه‌های به پهلویم گذاشت. با التماس از آنها خواستم رهایم کنند و به آنها گفتم که با این خودرو خرج زندگی‌ام را تأمین می‌کنم که یکی از آنها ضربه‌ای را فرود آورد. تصمیم گرفتم در مقابل این مقاومت کنم که چند ضربه با قه به سر و پهلویم زدند و در حالت نیمه بی‌هوش مرا از خودرو به پایین انداختند و خودروام را همراه مدارک سرقت کردند.

وی ادامه داد: پس از این با کمک موتورسیکلت عبوری، خودم را به اداره پلیس رساندم و از متهمان شکایت کردم. سارقان علاوه بر سرقت خودرو و مدارک، گردنبدن طلای فرزندم را که برای فروش همراه خودم آورده بودم، سرقت کردند.

آگهی مفقودی

برگ سبز خودرو سواری پژو پارس ایکس به رنگ نقره‌ای متالیک به شماره انتظامی ایران ۳۵-۳۹ د ۵۴۴ به شماره موتور ۱۱۵۰-۱۲۶۸۴۰ و شماره شناسی ۱۱۳۰۱۶۱۵ متعلق به خانم سمیرا قاسم نژاد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی مفقودی

برگ سبز خودرو سواری سمنند ایکس ۷ به رنگ مشکی متالیک به شماره انتظامی ایران ۳۵-۸۱۸۵۳۵ به شماره موتور ۳۱-۳۲۹۰۸۱ و شماره شناسی ۱۱۳۰۱۶۱۷ متعلق به آقای رسول مرخی فسندوز مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی مفقودی

برگ سبز خودرو سواری آردی به رنگ سفید روغنی به شماره انتظامی ایران ۲۲-۸۶ س ۴۶۷ به شماره موتور ۵۵-۲۲۳۲۷۹۱۸ به شماره شناسی ۷۷۲۳۲۱۸ متعلق به آقای اسماعیل اسماعیلی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی مفقودی

برگ سبز خودرو سواری تیپ 131SL مدل ۱۳۹۰ به رنگ نقره‌ای متالیک به شماره انتظامی ایران ۶۸-۱۹۱ س ۵۶ و شماره موتور ۰۶-۴۳۴۶۰۶ به شماره شناسی S1412290212875 متعلق به آقای محرمعلی اسلامی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.